



## درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۱ مهر ۱۳۹۰  
مصادف با: ۵ ذی القعدة ۱۴۳۲  
جلسه: ۲

موضوع کلی: منابع تفسیر  
موضوع جزئی: قرآن مهم‌ترین منبع تفسیر  
سال: دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته:

بحث در منابع تفسیر بود، عرض کردیم منظور از منابع تفسیر متونی است که به ما برای استفاده از مقاصد و مدالیل آیات کمک می‌کند، مهم‌ترین منبع تفسیر، خود قرآن است که به عنوان اولین منبع به آن اشاره کردیم، چند دلیل بر اینکه قرآن منبع تفسیر است ذکر شده دلیل اول روش عقلاء بر استناد به کلام متکلم برای فهم سایر کلمات او بود که عرض شد این روش از آن جایی که شارع قصد افهام مقصود خودش را به عقلاء دارد قطعاً در خود کتاب خدا هم مورد استفاده قرار گرفته است؛ یعنی به استناد همین روش عقلانی می‌توانیم از خود آیات برای تفسیر آیات و فهم معانی و کشف مدالیل و مقاصد آن بهره‌مند شویم.

دلیل دوم بعضی از آیات قرآنی است که ما به چند آیه اشاره کردیم، عرض کردیم مرحوم علامه طباطبائی برای اثبات این مطلب که قرآن خودش مهم‌ترین منبع تفسیر قرآن است به بعضی از این آیات استناد کرده است، بعضی از آن آیات دلالت بر مدعا می‌کرد از جمله آیه شریفه: «و نزلنا علیک الکتابَ تَبْیَاناً لِّکُلِّ شَیْءٍ»<sup>۱</sup> که در جلسه گذشته به آن اشاره کردیم اما آیه شریفه: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا...»<sup>۲</sup> که به این آیه هم اشاره کردیم شاید به وضوح آیه قبلی نباشد، و برای استناد به این آیه شریفه باید دو تطبیق انجام دهیم یکی اینکه باید فهم کتاب خدا را جهد و تلاش در راه خدا بدانیم و دیگری اینکه بگوییم بهترین سبیل که هدایت خدا نسبت به آن واقع می‌شود خود قرآن است، البته استناد به این آیه به وضوح آیه قبلی نیست.

### دلیل سوم:

روایاتی است که دلالت می‌کند بر اینکه قرآن ملاک و معیار برای فهم خود آیات قرآن است، در روایتی پیامبر (ص) می‌فرماید: «... فَإِذَا التَّبَسَّتْ عَلَیْكُمْ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّیْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلِیْكُمْ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّهُ شَافِعٌ مُشَفِّعٌ... وَ هُوَ الدَّلِيلُ یَدُلُّ عَلَی خَیْرِ سَبِيلٍ

۱. نحل/۸۹.  
۲. عنکبوت/۶۹.

و هو کتابُ تفصیل و بیان و تحصیل؛<sup>۱</sup> زمانی که فتنه‌ها همانند شب تاریک ظلمانی بر شما ملتبس می‌شوند بر شما باد به قرآن و در ادامه می‌فرماید: قرآن راهنما بر بهترین راه‌ها است و کتاب بیان و تفصیل است، حال اگر قرار باشد قرآن راهنمای برای بهترین راه‌ها باشد یک معنای عامی دارد، از جمله چیزهایی که ما نیاز به آن داریم و در تفصیل آیات می‌توان از آن کمک گرفت خود قرآن است، وقتی قرآن بهترین راه برای هر چیزی باشد پس بهترین راه برای فهم آیات الهی هم می‌باشد.

### دلیل چهارم:

روش و سیره عملی اهل بیت(ع) در تفسیر آیات است، خود ائمه(ع) از آیات قرآنی برای تفسیر آیات، زیاد استفاده کرده‌اند پس مجموعاً ما با تمسک به چهار دلیلی که ذکر شد تأکید می‌کنیم که یکی از منابع مهم تفسیر، خود قرآن است، عرض کردیم که منابع تفسیری غیر از بحث روش‌های تفسیر و علوم مورد نیاز تفسیر است گرچه با آن دو مسئله پیوند محکمی دارد، عرض کردیم که ما سه بحث داریم که به هم نزدیک هستند: منابع تفسیر، روش‌های تفسیر و علوم مورد نیاز تفسیر.

### پیشینه استفاده از قرآن برای تفسیر قرآن

مسئله استفاده از قرآن به عنوان منبع تفسیر از همان صدر اول آغاز شده؛ یعنی افرادی مثل ابن عباس، سعید بن جبیر، مقاتل، مجاهد، عکرمه و... کسانی بودند که در مقام تفسیر بعضی از آیات به بعضی از آیات دیگر استشهاد کرده‌اند، این صحابی کسانی بودند که روایاتی از آن‌ها در تفسیر بعضی از آیات نقل شده است.

آیه شریفه: «وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ»<sup>۱</sup>: برای سلیمان تند باد را آرام کردیم و به فرمان او به سوی سرزمینی که برکت در آن نهاده بودیم جریان پیدا کرد، ابن عباس می‌گوید منظور از این آیه این است که سلیمان هر وقت اراده می‌کرد باد تندی بوزد می‌وزید و هر گاه می‌خواست آرام شود آن باد آرام می‌شد، ابن عباس می‌گوید این مطلب از قول خداوند فهمیده می‌شود که می‌فرماید: «فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُحَاءً حَيْثُ أَصَابَ»<sup>۲</sup>: باد به فرمان او نرم و روان حرکت کند و به هر جا که می‌خواهد برود، ابن عباس برای روشن شدن معنای آیه اولی که ذکر شد از این آیه کمک گرفته است، پس معلوم می‌شود که منبع بودن قرآن برای آیات از همان اول رواج داشته است.

۱. انبیاء/۸۱.  
۲. ص/۳۶.

همچنین عکرمه در تفسیر آیه شریفه: «أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا أَفَلَا يُؤْمِنُونَ»<sup>۱</sup>: آیا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمان‌ها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند و ما آن‌ها را از هم جدا کردیم، می‌گویند منظور این است که آسمان و زمین بسته بود و چیزی از آن دو خارج نمی‌شد، آسمان به باران گشوده شد و زمین به رویش گیاهان، عکرمه می‌گوید و این سخن خداست که می‌فرماید: «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ»<sup>۲</sup>: قسم به آسمان باران خیز و سوگند به زمین آماده کشت، از سخن عکرمه معلوم می‌شود که از آیات قرآن برای تفسیر آیات دیگر کمک گرفته می‌شده و به آیات دیگر به عنوان یک منبع برای تفسیر بعضی آیات استناد شده است لذا اگر بخواهیم پیشینه استفاده از قرآن به عنوان یک منبع تفسیر را نگاه کنیم از زمان صحابی رسول اکرم (ص) هم - زمان با شروع بحث تفسیر، شروع شده و تا زمان حاضر ادامه داشته و روز به روز گسترش پیدا کرده است و اساساً بعضی از تفاسیر هم به مرور بر همین اصل استوار شده است.

اولین تفسیری که از قرآن به عنوان منبع تفسیر بهره برده تفسیر جامع البیان طبری (م. ۳۱۰ ه.ق) است، اینکه می‌گوییم بهره برده بالنسبه به ماقبلش است و گرنه در همین تفسیر، بخش‌های زیادی وجود دارد که به روایات صحابه و تابعین استناد شده است، این در قرن چهارم است. در قرن پنجم شریف رضی (م. ۴۰۶ ه.ق) کتاب حقائق التأویل فی متشابه التنزیل را نوشته و اصلی را تصریح می‌کند که در تفسیر آیات متشابه باید به آیات محکم رجوع کرد و آیات متشابه را به محکمت ارجاع می‌دهد، در نیمه دوم قرن پنجم شیخ طوسی (م. ۴۶۰ ه.ق) کتاب تبیان را نوشته و از قرآن به عنوان منبع کمک گرفته است. طبرسی (م. ۵۸۴ ه.ق) هم در مجمع البیان فی تفسیر القرآن از آیات قرآن استفاده کرده است، زمخشری نیز در کشف از آیات برای تفسیر آیات قرآن استفاده کرده است، بهر حال کتاب‌های زیادی است که در آن‌ها به قرآن به عنوان یک منبع تفسیر توجه شده است اما اگر بخواهیم در معاصرین به برترین کتاب‌های تفسیری که اصل را در منبع تفسیر، قرآن دانسته‌اند اشاره کنیم می‌توان کتاب المیزان علامه طباطبایی را نام برد که مجدد و احیاگر روش تفسیری قرآن به قرآن است و ایشان تأکید می‌کنند که تفسیر قرآن به قرآن قابل مقایسه با سایر روش‌های تفسیر نیست و سایر روش‌ها نسبت به این روش نارسا هستند.

برای اینکه بفهمیم چگونه می‌توان از آیات قرآن برای فهم سایر آیات کمک گرفت و معلوم شود منظور از اینکه می‌گوییم قرآن منبع تفسیر است چیست به قواعد و اصولی تحت عنوان اصول بهره‌گیری از آیات برای تفسیر اشاره می‌کنیم.

۱. انبیاء/۳۰.  
۲. الطارق/۱۱ و ۱۲.

## اصول و قواعد بهره‌گیری از آیات قرآن برای تفسیر

**قاعده اول:** یکی از اصول، این است که آیات قرآنی به عنوان ملاک پذیرش یا رد روایات هستند، یعنی میزان برای پذیرش یا رد روایات تفسیری هستند، اگر روایتی در مقام تفسیر یا توضیح آیه‌ای وارد شد که مخالف با بعضی از آیات شریفه قرآن باشد این روایت کنار گذاشته می‌شود، پس یکی از اصول و ضوابط بهره‌گیری از آیات قرآن به عنوان منبع این است که آیات قرآن ملاک و میزان هستند که اگر روایتی با آن آیات مخالف بود کنار گذاشته می‌شود؛ مثلاً در آیه شریفه: «وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ»<sup>۱</sup> که خداوند می‌فرماید: کسی که به صدق آمد و آن را تصدیق کرد پرهیزگار است، روایات زیادی وارد شده درباره اینکه منظور از «الَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ» و «صَدَّقَ بِهِ» چیست؟ بعضی از روایات «الَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ» را پیامبر(ص) و «صَدَّقَ بِهِ» را امیرالمؤمنین علی(ع) دانسته‌اند، بعضی دیگر از روایات «الَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ» را جبرئیل معرفی کرده و «صَدَّقَ بِهِ» را پیامبر(ص) دانسته‌اند<sup>۲</sup>، علامه طباطبایی می‌فرماید: وقتی سیاق این آیه با بعضی از آیات دیگر سنجیده می‌شود می‌بینیم که روایتی که «الَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ» را جبرئیل معنا کرده درست نیست چون وقتی ما به آیات قبل و بعد آیه فوق نگاه می‌کنیم می‌بینیم که مربوط به عصر پیامبران و مؤمنان و مخالفان آنهاست و اصلاً سخن از جبرئیل و ملائکه الهی نیست لذا با استفاده از آیات دیگر این روایت را که «الَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ» را منطبق بر جبرئیل کرده کنار می‌گذاریم<sup>۳</sup>، پس یکی از اصول استفاده از آیات قرآنی برای تفسیر این است که آیات قرآنی را ملاک پذیرش یا رد روایات تفسیری قرار دهیم.

**بحث جلسه آینده:** بقیه قواعد بهره‌گیری از آیات قرآن برای تفسیر را در جلسه آینده ذکر خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمين»

<sup>۱</sup>. زمر/۳۳.

<sup>۲</sup>. مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۰۰.

<sup>۳</sup>. المیزان، ج ۱۷، ص ۲۶۴.